



تقریرات دروس خارج فقه

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرسین طباطبائی یزدی (دامت برکاته)

سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶

جلسه سوم؛ سه‌شنبه ۱۳۹۶/۶/۱۴

و اگر مالک اصلی عقد وسطی را که بر نفس مال او واقع شده اجازه کند و دو طرف آن، عقد بر عوض مالش باشد - یعنی «بیع عبد به کتاب» که قبلش بیع فرس به درهم خالد است و بعدش بیع دینار به جاریه هند - در این صورت طبق قاعده‌ای که مرحوم شیخ رحمته الله بیان فرمودند، چون عقود توسط اشخاص متعدده واقع شده، اجازه عقد وسط به این معناست که مالک اصلی، عقود قبلی را رد کرده و عقود بعدی را اجازه کرده است؛ یعنی مالک اصلی بیع فرس به درهم خالد که بر روی عوض مالش واقع شده^۱ و نیز بیع عبد به فرس که بر نفس مال او واقع شده را رد کرده است، اما معاملات بعدی یعنی بیع دینار به جاریه هند [و نیز بیع عبد به دینار خنساء] را اجازه کرده است؛ زیرا وقتی مالک، بیع عبد به کتاب بکر را اجازه می‌کند، کشف می‌شود بکر از ابتدا مالک عبد شده و در نتیجه بیع عبد به دینار خنساء و نیز بیع دینار به جاریه هند، بر روی مال خودش بوده است.

[و اگر مالک عقد وسطی را که بر نفس مال او واقع شده اجازه کند و عقد قبلش واقع بر نفس مال او باشد و عقد بعدش واقع بر عوض مال او - یعنی مالک اصلی، بیع عبد به کتاب بکر را اجازه کند و قبلش بیع عبد به فرس عمرو باشد و بعدش بیع دینار به جاریه هند - در این صورت طبق قاعده‌ای که مرحوم شیخ رحمته الله بیان فرمودند، چون عقد مجاز و عقد قبل و بعد آن توسط اشخاص متعدده واقع شده است، لذا اجازه عقد وسط، رد عقود قبلی و اجازه عقد بعدی است، پس بیع عبد به فرس رد می‌شود اما بیع دینار به جاریه و نیز بیع عبد به دینار صحیح می‌شود. حکم مسئله از لحاظ تحلیلی نیز چنین است؛ زیرا وقتی مالک

۱. بله، مالک فرس می‌تواند معامله‌ی فرس به درهم را اجازه کند، اما اجازه عقد فضولی وسط، اجازه بیع فرس به درهم نیست.

اصلی بیع عبد به کتاب بکر را اجازه می‌کند، کشف می‌شود بیع عبد به کتاب از ابتدا صحیح بوده و عبد داخل در ملک بکر شده است و در نتیجه بیع عبد به دینار خنساء و نیز بیع دینار به جاریه هند، بر روی مال خودش بوده است.]

و اگر عقد وسط اجازه شود و عقد قبلش واقع بر عوض مال مالک باشد و عقد بعدش واقع بر نفس مال مالک، در این صورت نیز طبق قاعده مرحوم شیخ، چون عقود مترتبه توسط اشخاص متعدده واقع شده است، لذا اجازه عقد وسط، اجازه عقود بعدی هم هست، اما عقود قبلی همه رد می‌شود؛ [فرقی نمی‌کند چه عقود قبلی واقع بر نفس مال مالک باشد و چه واقع بر عوض مال او باشد.]

ب: صوری که عقد مجاز، عقد واقع بر عوض مال غیر باشد

تا اینجا حکم شش صورتی را که عقد مجاز، عقد واقع بر نفس مال مالک باشد ذکر کردیم، اما تطبیق مثال شیخ رحمته الله علیه بر شش صورتی که عقد مجاز، عقد واقع بر عوض مال غیر باشد و نیز حکم آن باقی ماند که با توجه به قاعده‌ای که مرحوم شیخ بیان کردند «که اگر عقود متعدده مترتبه، توسط اشخاص متعدده واقع شده باشد، اجازه عقد وسط، رد عقود قبلی و اجازه عقود بعدی است و اگر این عقود توسط شخص واحد واقع شده باشد، اجازه عقد وسط به معنای اجازه عقود قبلی و رد عقود بعدی است» باید حکم این صور را استخراج کنیم.

صورت اول آن است که عقد مجاز، اولین عقدی باشد که بر عوض مال غیر واقع شده است؛ یعنی مالک اصلی، بیع فرس توسط زید فضولی به درهم خالد را اجازه کند. در این صورت طبق قاعده مرحوم شیخ رحمته الله علیه حکم به صحّت عقد مجاز و عقد قبلی می‌شود؛ چون این عقود توسط شخص واحد انجام شده است. اما عقود بعدی که توسط شخص واحد انجام شده - یعنی بیع درهم به رغیف و بیع رغیف به عسل - باطل می‌باشد. بنابراین هم بیع فرس به درهم صحیح می‌شود و هم بیع عبد به فرس عمرو. [حکم مسئله از لحاظ تحلیلی نیز چنین است]؛ چراکه مالک نمی‌تواند بیع فرس به درهم را اجازه کند مگر در صورتی که فرس ملک او شده باشد. پس با اجازه مالک هم بیع فرس به درهم صحیح می‌شود و هم بیع عبد به فرس. [و چون بیع عبد به فرس صحیح می‌شود، در نتیجه بیع عبد به کتاب بکر، بیع عبد به دینار خنساء و بیع دینار به جاریه هند هم صحیح می‌شود؛ چراکه با اجازه کشف می‌شود بایع، در این معاملات از ابتدا مالک بوده و معامله بر روی ملک خودش واقع شده است]. اما بیع‌های بعدی که توسط شخص واحد واقع شده - یعنی بیع درهم به رغیف و بیع رغیف به عسل - دیگر صحیح نمی‌شود، بلکه این عقود همچنان فضولی

بوده و متوقف بر اجازه مالک است، البته بنا بر مبنای اینکه مالکیت حین عقد، شرط صحّت نباشد.

و اگر مالک اصلی **آخرین عقدی** را که بر عوض مال او واقع شده اجازه کند - یعنی «بیع رغیف خوله به عسل لیلی» - در این صورت طبق مبنای کشف، تمام بیوعی که قبل از آن واقع شده صحیح می‌شوند؛ چه بیوعی که توسط زید فضولی واقع شده و چه بیوعی که توسط اشخاص متعدده؛ زیرا طبق قاعده‌ای که مرحوم شیخ بیان کردند؛ چون در اینجا عقود متعدده توسط یک نفر - یعنی زید فضولی - بر عوض مال غیر واقع شده، لذا حکم به صحّت عقد مجاز و عقود قبل از آن می‌شود؛ یعنی بیع رغیف به عسل، بیع درهم به رغیف، بیع فرس به درهم و بیع عبد به فرس صحیح می‌شود. [همچنین حکم به صحّت عقودی می‌شود که مترتب بر صحّت عقد اوّل هستند؛ یعنی] بیع عبد به کتاب و بیع عبد به دینار و نیز بیع دینار به جاریه هند صحیح می‌شود؛ زیرا عمرو که عبد را در مقابل فرس خریده، مالک عبد می‌شود و در نتیجه بیع عبد به کتاب بکر که توسط عمرو واقع شده، صحیح می‌شود و نیز بیع عبد به دینار و بیع دینار به جاریه هند.

اما صورت سوم که مالک اصلی، بیع وسط بر عوض مالش را اجازه می‌کند و دو طرف آن هم عقد بر عوض مال او باشد، یعنی بیع دینار توسط بکر به جاریه هند که عقد قبلش بیع فرس به درهم خالد و عقد بعدش، بیع درهم به رغیف باشد که هر سه معامله بر عوض مال مالک واقع شده است. در اینجا هم طبق فرمولی که مرحوم شیخ رحمته الله بیان کردند، عقودی که توسط شخص واحد - که در اینجا مراد «بکر» است - واقع شده و قبل از عقد مجاز است، همه صحیح می‌شود؛ یعنی بیع عبد به دینار صحیح می‌شود، اما بیع فرس به درهم، بیع عبد به فرس و نیز بیع عبد به کتاب دیگر صحیح نمی‌شود، چون این عقود توسط اشخاص متعدده و قبل از عقد مجاز واقع شده‌اند.

والحمد لله رب العالمین

جواد احمدی